

آیا وجود شخص حقوقی وجود  
عینی است یا وجود ذهنی

در دورانی نه چندان دور این سؤال از اهم مسائل حقوقی بوده و بویژه صاحب نظران غرب با شدت و حدت به آن می پرداختند و تنوری گرم داشتند و هم چنانکه سنگی در آب افتد و امواج دایره زنند تا در غایت امر موجی لرزان به ساحل رسد امواج آن مباحث نیز از غرب به سرزمین ما رسیدند و مورد عنایت واقع شدند اما با این همه نویسندگان و مفسران حقوق مدنی آنطوریکه باید نسبت به آن توجه نکردند بهمین جهت با آنکه در زمانه ما این مبحث را در غرب حرارتی چندان نیست اما در نزد ما هنوز تازگی دارد .

نویسنده این سطور معتقد است که پیک اعتبار تاریخ جوامع بر دو قسم است دوره گردآوری خوراک و دوره تولید خوراک در دوران گردآوری خوراک مجمع مردمانی را که در طلب قوت لایموت همیشه در حرکت بوده و از شکار حیوانات و چیدن میوه درختان و سبز بجات سدجوع می نمودند اگر بتوان بر آن نام جامعه نهاد جامعه ای بوده است بسیط که در آن تقسیم کار بعمل نیامده و بهمین دلیل هیچ نوع سازمانی را نیز صاحب نبود و ما آنرا جامعه شکار می نامیم اما پس از تسلط انسان بر حیوانات و آغاز دوران دامپروری و بدنبال آن دوران کشاورزی یعنی از زمانی در حدود ده هزار سال پیش جامعه دچار سازمان گردید و از آن پس بطور مستمر و هر چه بیشتر از شکل بسیط هم جنس بصورت مرکب ناهم جنس در آمده است به این معنی که در روزگار ما سرانجام پروکراسی و تکنوکراسی جانشین جامعه ابتدائی گشته و علم حقوق تمام این سازمان ها و مؤسسات را در اصطلاح خویش اشخاص حقوقی نام می نهد و همانطوریکه ماده ۵۸۷ قانون تجارت حکم می کند حتی مؤسسات و تشکیلات دولتی و بلدی نیز دارای شخصیت حقوقی هستند بنابراین اصطلاح شخص حقوقی برعکس آنکه بعضی ها می پندارند امری جدید و نوظهور نیست و قدمت آن به آغاز حیات اجتماعی میرسد و نه تنها شخص حقوقی بلکه بسیاری از اصول و قوانین علم حقوق که گاهی از نتایج تمدن جدید تصور میشود از قدیم وجود داشته اند مانند اکراه جامعه از قتل نفس و یا دفاع وی از حقوق طبیعی و برای آشنائی بیشتر بهتر آنست که اشخاص علاقمند به مباحث مربوط به توتم و تابو مراجعه نمایند بهر حال در قانون مدنی ایران شخص حقوقی بر دو قسم است اشخاص حقوقی در حقوق عمومی و اشخاص حقوقی در حقوق خصوصی مراد از اشخاص حقوقی بمعنای اول عبارت است از دولت البته در اینجا تعبیر قانونگذار از واژه دولت همان معنای عامی است که در نزد عموم متداول می باشد به این معنی که دولت در اصطلاح قانون اساسی و نیز در نزد ایدئولوگ ها و

اندیشمندان سیاسی عبارت است از ترکیب سه عنصر جمعیت، سرزمین، و سازمان‌های حکومتی، اما در این مورد مراد قانونگذار بخصوص سازمان‌های حاکم بوده است بنابراین تمام مؤسساتی که رابط بین حکومت و مردم هستند در زمره اشخاص حقوقی بشمارند و همانطوریکه ذکر شد مطابق ماده ۵۸۷ قانون تجارت مؤسسات و تشکیلات دولتی و بلدی بمحض ایجاد بدون احتیاج به ثبت دارای شخصیت حقوقی میشوند و نیز اشخاص حقوقی در حقوق خصوصی عبارتند از شرکت‌های تجاری و مؤسسات غیر انتفاعی از قبیل مؤسسات خیریه و در مورد این سؤال که آیا اشخاص حقوقی وجود حقیقی دارند و یا فرضی دو نوع قول القاء شده است قول اول بر اینست که وجود آن حقیقی است و از ضرورت حیات و گسترش روابط اجتماعی ناشی میشود به این معنی که اشخاص حقوقی مستقل از اراده دولت موجود هستند یعنی اراده دولت بر وجود آنها مقدم نیست بلکه ابتداء آنها در نتیجه ضرورتی که از حیاط اجتماعی و گسترش و ترکیب این روابط ناشی میشود موجود شده‌اند و پس از آنکه تشکیل یافتند دولت قوانین لازم بر آنها را که نیز از صفت نفسیه آنان منشاء می‌گیرد وضع کرده است بنابراین اشخاص حقوقی مقدم بر اراده دولت و درحقیقت قائم بر ذات خویش‌اند و یا لاقلاً قیام آنها به وجدان جمعی بر میگردد پس شخص حقوقی با شخص حقیقی به یک اعتبار تفاوتی ندارد زیرا که هر دو مدنی الطبع بوده و مستقل از اراده قانون هستند بزعم این قول شخص حقوقی صاحب دو صفت ویژه است :

۱- مستقل از قانون بوده و قبل از اینکه به ثبت برسد وجود پیدا می‌کند .

۲- مانند شخص طبیعی در شخص حقوقی نیز اصل اهلیت تمتع بوده و عدم

اهلیت استثناء است

## قول دوم

بعضی دیگر گفته‌اند که شخص حقوقی دارای حقیقت نیست بلکه وجود ذهنی و افتزاعی داشته و ما بازای این مفهوم نیز اراده دولت است به این معنی که شخص حقوقی را اراده دولت ایجاد می‌کند و مانند ابوت و بنوت قیام او به نسبت بر می‌گردد همانطوریکه زوجیت نیز وجود اعتباری داشته و قانون به آن موجودیت می‌بخشد و الا این مفهوم خارجیت نداشته و از قبیل امور فرضی و اعتباری است بزعم این قول شخص حقوقی حامل این صفات است :

۱- وجودش بسته به اراده دولت است و دولت میتواند او را موجود بکند یا ایجاد ننماید .

۲- اصل عدم اهلیت شخص حقوقی بوده و اهلیت او استثنائی است به این معنی که شخص حقوقی را قانون اعتبار می‌کند و بهمین جهت نقیض شخص طبیعی است زیرا که در شخص طبیعی اصل اهلیت او بوده و ذاتاً دارای اهلیت تمتع است . خلاصه آنکه در نزد این نظریه بخلاف قول اول ماهیت شخص حقوقی نه در وجدان جمعی بلکه در اراده دولت مندرج است .

در حقوق ایران قانونگذار به صراحت یکی از این دو نظر را پذیرفته است اما بررسی اجمالی نشان میدهد که در مواد قانون نظریه اول بیشتر منعکس شده و جانب آن رعایت گشته است و از جمله این قوانین مادین ۱۷ قانون شرکت‌های سهامی مصوب سال ۴۷ و ۵۸۸ قانون تجارت هستند به این معنی که بعضی از اشخاص حقوقی قبل از ثبت یعنی قبل از آنکه دولت آنها را برسمیت بشناسد وجود پیدا می‌کنند مانند شرکت‌های بازرگانی و در ثانی ماده ۵۸۸ قانون تجارت می‌گوید که (شخص حقوقی میتواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق و وظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد

مانند حقوق و وظایف ابوت و بنوت و امثال ذالک) و بنظر ما بنابر ماده ۵۸۸ مذکور اصل اهلیت تمتع شخص حقوقی بوده و عدم اهلیت او استثناء است بخصوص آنکه ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی می‌گوید شخص حقوقی نیز مانند شخص طبیعی دارای اقامتگاه می‌باشد به این معنی که اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آنها خواهد بود، در خاتمه باید گفت هدف قانونگذار بر آن نیست که شخص حقوقی را مانند شخص طبیعی اعتبار کند زیرا که بهر نحوی اثترائیت او برقرار خواهد بود و از این لحاظ است که ما بازائی ندارد و بهمین دلیل شخص حقوقی مسؤلیت مدنی دارد اما مسؤلیت جزائی ندارد و با وجودیکه اموال شخص حقوقی قابل توقیف است اما در حقوق ایران توقیف اموال در مورد او یک مسأله مدنی است نه جزائی.

### تذکر لازم

شاید در نظر عالمی که این سطور ناقص را مطالعه فرموده مقدمه‌ای که مذکور افتاد بسیار دراز نماید و در ذهن وی آن مطالب خارج از متن اصلی متبادر شود و بهمین جهت خالی از فایده نخواهد بود تا باطلاع برساند که در نزد نویسندگان بیک اعتبار علم حقوق که از شعبات علوم انسانی است به دو مبحث بزرگ تقسیم میشود حقوق مدنی و حقوق جزاء و در واقع حقوق مدنی مورد اعمال جامعه شناسی و حقوق جزاء مورد اعمال روان شناسی است و از اینجاست که در مقدمه این علوم کلیات جامعه شناسی و روان شناسی و بخصوص مباحث مربوط به روان شناسی جنائی و نقش کر و موزوم‌ها و جزء آن تدریس میشود که بحث مفصل آنرا در علم جزاء بویژه در آنجا که تئوری جانی بالفطره مطرح میشود میاورند و مهم‌تر آنکه قول به خارجیت شخص حقوقی در زمره مفاهیم انتزاعی است و ما مصلحت آن دیدیم که بالاجمال سرچشمه این انتزاع را نشان دهیم.